اخوان، شاعر زمستان

امین، سید حسن

1-درآمد

از جهت جامعیت در شعر نو و شعر کلاسیک مهدی اخوان ثالث‏ (م.امید)برترین شاعر پس از بهار و نیماست.در شعر نو،شاملو، سهراب،فروغ،و در شعر کلاسیک حمید شیرازی،رهی معیری، شهریار،امیری فیروز کوهی و دیگران هم‏ردیف اویند هرکدام جایگاه‏ خاص خویش را دارند،اما فقط اخوان است که در هر دو سبک در ردیف اول ایستاده و بلافاصله پشت سر بهار و نیما نشسته است. حمیدی شیرازی شعر نو نمی‏فهمید و شاملو کهن‏سرا نبود;تنها اخوان‏ است که جامع هر دو سبک است.

2-زیست نامه‏ی اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث«م.امید»(1307-1369)فرزند علی، تحصیلات ابتدایی و هنرستان صنعتی را در مشهد به پایان برد.

اخوان ثالث از سال 1323به سرودن شعر پرداخت و بر اثر تشویق‏ و راهنمایی‏های استاد مدرسه‏اش(پرویز کاویان)شوق بیشتری به‏ شعر پیدا کرد.نخستین شعری که سرود در زمینه‏ی توحید و یکتایی‏ خداوند بود و اولین جایزه‏یی که بر اثر سرودن همان شعر دریافت کرد، کتاب مسالک المحسنین تالیف طالب‏اف بود که افتخار الحکمای‏ شاهرودی(مسنّن)به او داد و همین تشویق،موجب شد که در طریق‏ شعر و شاعری پیش رود و توجه استادان شعر و ادب خراسان را به خود معطوف دارد و به عضویت انجمن ادبی مشهد(زیر نظر استاد زنده‏یاد محمود فرخ خراسانی)درآید.تخلص«امید»را نیز استاد نصرت‏ (منشی باشی)شاعر خراسانی برایش برگزید.چندی نیز به موسیقی‏ روی آورد و تار می‏نواخت و در دستگاه‏های ایرانی تمرین می‏کرد،اما به سبب مخالفت پدرش از کار موسیقی دست کشید.

اخوان،در سال 1327 ساکن تهران شد و به خدمت آموزش و پرورش درآمد و به دبیری پرداخت و پس از چندی به سمت مامور«از وزارت آموزش و پرورش»در«وزارت اطلاعات»(یعنی«وزارت‏ فرهنگ و ارشاد اسلامی»بعد از انقلاب)مشغول همکاری شد و در این سمت،وظیفه‏اش نظارت بر برنامه‏های ادبی بود.وی هم‏چنین‏ به کار صدا برگردانی(دوبله)فیلم‏های مستند و نویسندگی در مطبوعات در موضوعات ادبی،هنری،شاعری و همکاری با رادیو مشغول بود.

اخوان،نماد فرهنگی/سیاسی نیم‏قرن روزگار خودش بود.او از جهت فرهنگی از توس تا یوش و از جهت سیاسی دو بحران مهم از کودتای 28 مرداد 1332 تا انقلاب بهمن 1357 را تجربه کرد.او در جوانی که به تهران آمد(حدود1327)،گرایش‏های چپ‏روانه داشت، پس از 28 مرداد،چن ماهی نیز به زندان افتاد و به قول خودش‏ «برای همیشه از سیاست کناره گرفت»و تنها به کارهای ادبی‏ پرداخت.نامه‏یی که اخوان پس از رهایی از زندان به دوستش محمد قهرمان نوشته و در آن از قصیده‏یی که به رسم توابین ساخته سخن‏ گفته است،آگاهی‏هایی ارزشمندی از خاطرات و خطرات سیاسی پس‏ از کودتای 28 مرداددر بردارد.

3-ادوار شعر اخوان

اخوان در سرودن شعر به سبک کلاسیک استاد بود;در آغاز در قصیده سرایی(به شیوه‏ی استادان کهن خراسان و خاصه منوچهری‏ دامغانی)و غزل سرایی(ارغنون از جمله فعالیت‏های این دوره‏ی‏ اوست)و سپس به سبک نو(به شیوه‏ی نیما،مانند مجموعه‏ی‏ زمستان)طبع‏آزمایی کرد.به این ترتیب از جهت تطور ادبی،در نوجوانی و جوانی به قصیده‏گویی و غزل سرایی پرداخت؛در دوره‏ی‏ شکوفایی که با زمستان آغاز و با زندگی می‏گ‏وید اما باید زیست‏ تمام می‏شود،در مکتب نیمایی اثر آفرینی کرد و سرانجام در اواخر عمر که به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‏های تهران، تربیت معلم و شهید بهشتی هم تدریس می‏کرد،دوباره به شعر کلاسیک روی آورد که نقطه‏ی پایانی آن ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم،است.

به ترتیب تاریخی از جمله آثار اخوان ثالث می‏توان به عنوان‏های‏ زیر اشاره کرد:ارغنون(مجموعه شعر،1330)؛زمستان(مجموعه‏ شعر،1335)؛آخر شاهنامه(مجموعه شعر،چاپ اول،1338)؛ زندگی می‏گوید اما باید زیست،از این اوستا(مجموعه شعر، 1345)؛پاییز در زندان(پس از سال 1345)؛منظومه‏ی شکار (1345)؛بهترین امید مجموعه ملاقات(جلد اول،1350)؛ نقیضه و نقیضه‏سازان،بدعت‏ها و بدیع نیما یوشیج(1357)؛ مرد جن‏زده(مجموعه‏ی داستانی،1357)؛در حیاط کوچک پاییز ،...(مجموعه شعر)؛حریم سایه‏های سبز(مقاله؛زیر نظر مرتضی کاخی،1373)؛عطا و لقای نیما یوشیج(1361)؛دخت‏ پیر و جنگل(کتاب قصه برای کودکان)؛ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم(1368).

4-جایگاه اخوان در شعر معاصر

اخوان،جامع ویژگی‏های بهار و نیماست.او شعر نیمایی را به‏ اختصاص،بیش از هر شاعر نوپرداز دیگری تعالی و ترقی داد و مهم‏تر آن‏که با چیرگی خود در هر دو شیوه‏ی شعر کلاسیک و شعر نو،بین این هر دو شاخه‏ی ادب منظوم فارسی معاصر،پیوستگی و آشتی‏ ایجاد کرد و هر دو را توسعه و تعمیق داد.در نتیجه،هم علاقه‏مندان‏ شعر کلاسیک و هم نوپردازان،در شعر اخوان،رگه‏هایی از خلاقیت‏ می‏یابند،به نوعی که می‏توان شعر نو او را تداوم طبیعی سبک‏ خراسانی در عصر حاضر خواند.به همین دلیل،ادیبانی که به سبک‏ کهن دل بسته‏اند،با شعر نیمایی اخوان بیش از هر شعر نو دیگر احساس تفاهم دارند.این مقبولیت هم افزون بر سختگی و پختگی‏ زبان خراسانی شعرهای نیمایی اخوان،مرهون مقاله‏هایی ست که‏ اخوان با عنوان«بدعت و بدایع نیما»در توجیه و مشروعیت بخشیدن به شعر نیمایی نوشت.او در این مقالات ثابت‏ کرد که شعر نو مبانی و مبادی خاص خود را دارد،«آزاد و رها»نیست. به این ترتیب،اخوان شعر نیمایی را گسترش داد و مقبولیت‏ بخشید.

اخوان،شعر نیمایی را با شعر کلاسیک یعنی‏ نوآوری را با سنّت پیوند زد.بعضی او را به‏ همین دلیل،روایتگر فضاهای تاریخی و منظومه پردازی سنتی/ملی‏ خوانده‏اند که با نوعی گذشته‏نگری‏ به تاریخ‏های دور و ادیان کهن ایرانی‏ گرایش داشته است و به قضات‏ تاریخی نشسته و در آرزوی منجی‏ /سوشیانت موعود سخن گفته‏ است.و...اما راستی را،اخوان از چهره‏های برتر شعر فارسی در سده‏های اخیر است.

4-موضوع اخوان نسبت به‏ دین و فلسفه

اخوان،از جهت دینی و فلسفی‏ ملغمه و معجونی از اعتقادات مختلف بود، توأم با تردیدهای فیلسوفانه و انتخاب‏های شاعرانه.او خودش را «مزدشتی»مسلک می‏دانست که هم به مزدک و هم‏ زرتشت علاقه‏مند بود.نام پسرش را هم زرتشت نهاد.این علایق در قصیده‏ی«ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم»،تبلور مضاعفی یافته‏ است،بویژه آن‏جا که می‏گوید چون زرتشت قیام به سیف نداشته است‏ او را«بیش‏تر»دوست دارد:

گران‏مایه زردشت را من فزون‏تر ز هر پیر و پیغامبر دوست دارم‏ بشر بهتر از او ندید و نبیند من آن بهترین از بشر دوست دارم‏ سه نیکش بهین رهنمای جهان‏ست‏ مفیدی چنین مختصر دوست دارم‏ ابر مرد ایرانی‏یی راهبر بود من ایرانی راهبر دوست دارم‏ نه کشت و نه دستور کشتن به کس داد از این روش هم معتبر دوست دارم‏ من آن راستین پیر را،گرچه رفته‏ست‏ از افسانه آن سوی‏تر،دوست دارم

اندیشه‏های فلسفی و باورهای دینی اخوان را در مقدمه‏ها و موخره‏های دفترهای شعرش،مقاله‏هایش که به همت دکتر مرتضی‏ کاخی گردآوری شده است و نیز نامه‏هایش که ده عدد آن‏ها را اخیرا محمد قهرمان به چاپ سپرده است و اخوانیه‏ی بلندش که غلامرضا صدیق منتشر کرده است،می‏توان دید.

6-داوری داوران

دکتر عباس زریاب خویی،اخوان را برجسته یا فوق العاده‏ exrta-oradinary معرفی کرده است و دکتر غلامحسین‏ یوسفی او را با شاعران بزرگ جهان قابل قیاس دانسته؛ دکتر شفیعی کدکنی در جایی گفته است که او حافظ را تنها از راه شناسایی اخوان خراسانی‏ فهم کرده است.(ر.ک.شفیعی کدکنی، محمد رضا،«اخوان ثالث،کسی که من فهم شعر حافظ را به او مدیونم،ماهنامه‏ی حافظ، شماره‏ی 6(شهریور 1383،صص 42-43)

5-اخوان در ماهنامه‏ی حافظ

خوشحالم که تا کنون مکرر نمونه‏هایی از آثار و اشعار اخوان را در ماهنامه‏ی حافظ آورده‏ایم،از جمله:

1-شعر«

ای شیر پیر بسته به‏ زنجیر

»را که برای زنده یاد دکتر محمد مصدق ساخته است.(ر.ک.حافظ، شماره‏ی 4،(تیر 83)،ص 38).

2-قصیده‏ی«جشن بهاران»به مطلع‏ «اردوی بهار چو کاروان‏ها»(ر.ک.حافظ،شماره‏ی‏ 6(شهریور 84)،ص‏44)

3-«باغ بی‏برگی»،همان جا.

4-«ای مرد!ای دلیر»،باز هم برای مصدق(ر.ک.حافظ، شماره‏ی 12،(اسفند 83)،ص 12.

5-شعر استاد شفیعی کدکنی برای اخوان(حافظ،شماره‏ی 18 (شهریور 84)

6-مرگ در آثار اخوان،همان‏جا،ص 14و...

8-نتیجه

اخوان،بی‏گمان یکی از برترین شاعران پارسی زبان در یکصد ساله‏ی اخیر است؛اشعار او در حافظه‏ی جمعی ایرانیان جا افتاده است؛ شعر زمستان او در میان خزاینه‏ها،برفیه‏ها و زمستانیه‏های ادب‏ پارسی بی‏نظیر است.هاتف اصفهانی با ترجیع‏بندش جاودانه شده‏ است و اخوان با«زمستان»اش.